

خبرگزاری هرانا | نامه آتنا دائمی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر؛ نگاهی از درون به زندان زنان قرچک در ورامین

hra-news.org/letters/a-645/



English

Breaking news

امروز دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۷, 13th of January 2019 آخرین بروز رسانی در ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ ساعت ۲۰:۳۱:۳۳

خانه < slide, زندانیان < نامه آتنا دائمی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر؛ نگاهی از درون به زندان زنان قرچک در ورامین



نامه آتنا دائمی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر؛ نگاهی از درون به زندان زنان قرچک در ورامین

خبرگزاری هرانا - آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی حقوق بشر، نامه‌ای سرگشاده در خصوص مشکلات و نقض حقوق زنان محبوس در زندان قرچک ورامین (ندامتگاه شهری) نوشته است. این کنشگر مدنی در بخشی از این نامه می‌گوید "بهداشت در تمام این زندان امری است فاقد معنا. جایی بدون خون استفراغ و ... قابل رؤیت نیست. آب تمام زندان شور است و در هر بند فقط یک شیر آب مخصوص آشامیدن وجود دارد که البته بیشتر از آب شور آسیب زننده است. اغلب زندانیان حتی یک دندان سالم هم ندارند و دچار ورم شدید شکم و دست و پا هستند. هزینه خدماتی چون دندانپزشکی با زندانی است و سایر خدمات پزشکی یا وجود ندارد یا باشد هم خیلی کند و همراه با توهین و تحقیر است و خلاصه می‌شود در قرص‌های خواب‌آور شدید و متادون".

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین که در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳ بازداشت شده و از تاریخ ۶ آذر ۱۳۹۵ تحمل حبس می‌کند. به مناسبت ۱۹ آذر روز جهانی حقوق بشر، نامه‌ای سرگشاده نوشته است.

آتنا دائمی در این نامه از نقض حقوق زندانیان و مشکلاتی چون عدم تفکیک جرائم، بهره‌کشی از زندانیان، عدم رسیدگی پزشکی مناسب، عدم دسترسی زندانی به وسایل بهداشتی، آب آشامیدنی ناسالم، ظروف غیربهداشتی، محل نگهداری نامناسب زندانی، غذای بی‌کیفیت و غیربهداشتی، مشکلات و بیماری‌های متعدد و ... نوشته است.

متن کامل این نامه را به نقل از هرانا در ادامه می‌خوانید:

“برای روز جهانی حقوق بشر

پیش‌تر در خصوص یکی از معضلات موجود در زندان قرچک نوشتم و حال به بهانه روز جهانی حقوق بشر، می‌خواهم از حداقل حقوقی که در قرچک یا همان ندامتگاه شهرری، نادیده گرفته شده است بنویسم. هر چند که می‌دانم بسیاری با توجه به وضعیت اقتصادی و شرایط موجود برای کارگران و معلمان عزیز شاید معتقد باشند که حال مسائل مهم‌تر وجود دارد؛ اما به نظر من شرایط زندان قرچک نیز حاصل همین شرایط موجود در جامعه است و یا می‌تواند با توجه به میزان فقر، آینده‌ی افراد بیشتری هم باشد. زندان قرچک بزرگ‌ترین زندان زنان ایران است که اگر خلاصه بگویم جهنم، اردوگاه کار اجباری و کمپ ترک اعتیاد است!

این زندان در شوره‌زارها و در میان نی‌زارهای جاده قرچک - ورامین واقع شده و ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ زندانی دارد و شامل قرنطینه‌ای کوچک و ۱۰ بند است و در هر بند حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر زندانی هستند. روزانه ۳۰ الی ۵۰ نفر وارد این زندان می‌شوند که بیرون رفتن از آن کاری است بس دشوار!

هر جدیدالورودی ابتدا باید ۳ روز در قرنطینه بماند و سپس به بندها منتقل می‌شود. انتقال به بندها خلاف قوانین، حتی داخلی است و بر اساس جرم، سن، سابقه، وضعیت پرونده (بازداشت یا محکوم) میزان محکومیت، بیماری خاص و ... صورت نمی‌گیرد.

همه افراد با جرائم متفاوت با هم نگهداری می‌شوند. ظاهراً بند ۱ و ۲ مختص معتادان است. بند ۳ و ۴ مخصوص جرائم سنگین و خطرناک است. این بندها جزء مخوف‌ترین و پرجمعیت‌ترین بندها هستند که حتی رئیس زندان، رئیس داخلی و معاونان و حفاظتی‌ها، هیچ یک جرأت ورود به این بندها را ندارند تا مبادا کتک بخورند.

بند ۵ و ۶ ظاهراً مخصوص جوانان نامیده می‌شود و بند ۷ ترکیبی از زندانیان غیرسیگاری هستند. بند ۸ بند مادران و زنان باردار و کودکان زیر دو سال است.



بندهایی نیز موسوم به ۱ و ۲ مشاوره هستند که از سایر بندها جدا هستند و توسط شهرداری جهت تبلیغات و ماست‌مالی‌های قوه قضاییه ساخته شده‌اند. فضایی آرام‌تر از سایر بندها دارد و در ظاهر مخصوص کسانی است که از لحاظ روانی متعادل‌تر از سایرین هستند. حال آنکه در سایر بندها بسیاری زندانی متعادل وجود دارند که شرایط آنها را هم عاقبت نامتعادل خواهد کرد.

افراد ساکن در این بند گزینش شده و در عین حال مخلوط از همه جرائم و سنین هستند. همان‌طور که گفته شد در هیچ یک از این بندها تفکیک جرائم صورت نگرفته که بر اساس همین اصل تفکیک جرائم جای مرجان داوری و دراویش در زندان قرچک نیست.

در قرچک تعدادی از زندانیان رای کار نامیده می‌شوند. رای کاران کسانی هستند که تمامی کارهای خدماتی و مراقبتی و آشپزی و ... به عهده آن‌هاست. در واقع تمامی کارهایی را که پرسنل و کارمندان می‌بایست انجام دهند و بابت آن‌ها حقوق‌های هنگفت دریافت می‌کنند را این زندانیان رای کار انجام می‌دهند. در سایر کشورها چنین زندانیانی برای مردم جامعه کار می‌کنند و در ازای کارشان از میزان محکومیت آن‌ها کم می‌شود. اما در قرچک در بهترین حالت در ازای ماهانه ۱۰۰ هزار تومان و یا کارها فقط در ازای زمان بیشتر تلفن و ملاقات حضوری که هر ۴ ماه مجاز است، انجام می‌شوند. اغلب مجبور به رخت‌شویی و بافتنی برای امرار معاش هستند. در تمام این امور، رای کاران متعهد می‌شوند که تمام مسئولیت‌ها و عواقب کارهایشان به عهده خودشان است. حتی درمان احتمالی و جبران حسنه است.

توهین‌ها و سوء استفاده‌ها از رای کاران، از آزار دهنده‌ترین مسائل است. اغلب زندانیان که وارد می‌شوند، معتادانی هستند که سقفی جز آسمان و تختی جز خیابان و هیچ مرهمی جز مواد نداشته‌اند و به جای کمپ ترک اعتیاد راهی زندان می‌شوند و به محض ورود در قرنطینه بدون هیچ مراقبت و اصول و دارویی مجبور به ترک مواد مضر می‌شوند. اگر حتی در حال مرگ باشند، فقط زندانیان دیگر مراقب آن‌ها هستند و چیزی جز توهین و بی‌توجهی از مسئولین دیده نمی‌شود. حتی سیگار، چای و غذای بیشتر، به تلافی کمبودها، توهین‌ها و تحقیرها یا به خود آسیب می‌زنند یا دیگران.

در طی سه روزی که در قرنطینه‌اند یک پزشک عمومی بیمار آن‌ها را ویزیت می‌کند. فقط از تعدادی انگشت شمار زندانی معتاد تست ایدز و هپاتیت می‌گیرند اما اگر مبتلا هم باشند از سر رأفت تفاوتی با دیگران ندارند! و آن‌ها را به حال خود و بین دیگران رها می‌کنند. سپس یک مددکار که خود شدیداً نیازمند مدد است با فرمی به دست به سراغ زندانیان می‌آید و از او که روی برگه چرت می‌زند، می‌خواهد که به سؤال "آیا تاکنون در کلاس قرآن شرکت کرده‌اید یا خیر" جواب بدهد.

در قرچک از آب آشامیدنی، قاشق پلاستیکی، لیوان، میوه، لبنیات، غذا تا لباس و لوازم بهداشتی، همه می‌بایست از فروشگاه‌ها با چند برابر قیمت و با کیفیتی نازل خریداری شود. هر چند هفته یک بار یک نوع میوه به میزان ناکافی می‌آید که حتی به همه کسانی که قصد خرید دارند هم نمی‌رسد.

حال تصور کنید برای گذراندن زندگی خیلی خیلی ساده چه چیزهایی لازم است و کسانی که هیچ واریزی ندارند از کجا باید مایحتاج خود را تأمین کنند؟! اینجاست که زنی که به خاطر دعوا با مادر شوهر زندانی شده دزد هم می‌شود.

بهداشت در تمام این زندان امری است فاقد معنا. جایی بدون خون استفراغ و ... قابل رؤیت نیست. آب تمام زندان شور است و در هر بند فقط یک شیر آب شیرین مخصوص آشامیدن وجود دارد که البته بیشتر از آب شور آسیب زنده است. زندانیان اغلب حتی یک دندان سالم هم ندارند و دچار ورم شدید شکم و دست و پا هستند. هزینه خدماتی چون دندانپزشکی با زندانی است و سایر خدمات پزشکی یا موجود نیست یا باشد هم خیلی کند و همراه با توهین و تحقیر است و خلاصه می‌شود در قرص‌های خواب‌آور شدید و متادون.

از آنجایی که این زندان پیش‌تر محل پرورش دام و طیور بوده است، جایی نیست که از انواع موش و حشرات و کرم‌های خاکی در امان باشد، حتی در غذاها آثاری از آنان مشهود است. همچنین در هیچ کجای این زندان نمی‌شود بدون بوی شدید فاضلاب و گاز سمی که از چاه‌ها خارج می‌شود، نفس کشید، صبح‌ها از شدت این گاز بدبو صدای سرفه نشانه بیدار باش است و احساس خفگی همه گیر است. به همین دلیل اکثراً دچار مشکلات ریوی شده‌اند.

غذای زندانیان نیز عاری از هر نوع گوشت و پروتئین است. کنجاله (سویای دامی) جایگزین مواد پروتئینی است و غذاهای بی‌رنگ و بی‌بو و سرد مدام در ظروف یک بار مصرف تکرار می‌شوند. بسیاری سال‌هاست که حتی یک لیوان چای ننوشیده‌اند، چرا که آب جوش یافت نمی‌شود، تا آب جوش به دست زندانیان برسد از آب‌های قطب شمال و جنوب هم سردتر است و پر از رسوب و البته شور.

سنگ و عفونت کلیه از رایج‌ترین بیماری‌ها در زندان است. اغلب زندانیان غذای کنسروی و نیمه‌پخته فروشگاه را به غذای بی‌کیفیت و مضر زندان ترجیح می‌دهند، حال آنان که این کنسروها می‌بایست حداقل ۲۰ دقیقه در آب بجوشند، اما از آنجایی که امکان آن هم وجود ندارد سرطان هم رایج شده است.



سال‌هاست مسئولین می‌خواهند گرم‌خانه‌هایی در زندان راه بیندازند که بشود آب جوشاند و غذا گرم کرد، اما فعلاً مسئولین مشغول‌اند! باید جیب‌های خود را از پول‌هایی که خیرین برای زندانیان می‌پردازند پر کنند!

نوروز ۹۷ حتی به اندک آجیلی که خیرین فراهم کرده و به هر زندانی به

اغراق به اندازه یک مشت می‌رسید، رحم نکردند! اطراف زندان تا چشم کار می‌کند بیابان است اما زباله‌های زندان را داخل می‌سوزانند که تمام دود و ذغال و تکه‌هایی از مواد سوخته، اصلی جدا نشدن از لباس‌ها و سر و صورت و ریه زندانیان شده است! پوشاک از زیر و رو باید خریداری شود، پوشاکی که پس از یک بار شستن تقریباً دیگر غیر قابل استفاده خواهد شد و چندین برابر قیمت است. اگر لباسی پاره شود حتی سوزن و نخ برای ترمیم نیست، البته هست ولی می‌بایست یک سوزن کج را از زندانیان دلال به قیمت ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار تومان خرید. البته حال شاید با توجه به قیمت دلار افزایش هم یافته باشد. فندک هم به همین منوال، موجود است.

بسیاری به خاطر سال‌ها استفاده از قاشق و ظروف پلاستیکی یک بار مصرف دچار بیماری گوارشی و ریه و ... شده‌اند که یک قاشق استیل و بشقاب را نیز به همین ترتیب می‌شود خریداری کرد. اینکه این وسایل چگونه موجود است، خیلی عجیب نیست، اینها پاداشی است که رئیس داخلی زندان (سکینه شاه علی) با هماهنگی رئیس زندان (مهدی محمدی) به جاسوسان و مزدوران خود می‌دهد. کسانی که با اشاره آنها بر سر زندانیان دیگر خصوصاً سیاسی می‌ریزند و کتکش می‌زنند (همان اتفاقی که برای خود ما رخ داد و حال برای دراویش تکرار می‌شود).

در بخشی به نام اشتغال تعدادی معدود از زندانیان صنایع دستی تولید می‌کنند؛ اما این صنایع که به قیمت‌های گزاف فروخته می‌شوند، سود بسیار ناچیزی برای زندانی سازنده آن دارد.

در کتابخانه نیز تنها کتاب‌های موجود، رمان‌های عاشقانه و کتاب‌های مذهبی و کتاب‌های انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق است. انقلاب و جنگی که ثمره‌ای جز وضعیت موجود نداشت و جا دارد به نویسنده این کتاب‌ها نظیر "معصومه آبادی" نویسنده "من زنده‌ام"، گفته شود خوشا به حالت که در دست بعثی‌ها اسیر بودی، چرا که شرایط تو به مراتب بهتر از کسانی بوده که حال در دست داعشی‌های وطنی اسپرند.

عصرها وقتی درب هواخوری بسته می‌شود، هیچ روزنه‌ای به هوای آزاد موجود نیست. نه دری نه پنجره‌ای. زندانیان تا صبح در فضایی بسته و خفه، در تخت‌هایی کوتاه غیر استاندارد و یا روی زمین و زیر چراغ‌هایی که هرگز خاموش یا کم نمی‌شوند، سر می‌کنند. زندانیانی که نمی‌دانند چه چیزهایی باید داشته باشند و تلاشی هم برای بهبود وضعیت خود نمی‌کنند، چرا که اساساً تصویری از شرایط بهتر ندارند.

این‌ها که می‌نویسم دیده‌های من از قرچک در طول ۳ ماه و نیم تبعید است و ناگفته‌هایی بسیاری هست که باید از زندان زبان کسانی که سال‌هاست در آن‌جا مدفون شده‌اند، شنید. البته که بی‌انصافی است اگر نگوییم در آن زندان شاید اندک نفراتی حتی کمتر از انگشتان یک دست باشند، که برای بهتر شدن وضع زندانیان در تلاش هستند، اما با وجود فساد اخلاقی و قضایی سراسری

که بر تمام زندان و ایران حاکم است، نه به جایی می‌رسند و نه تلاش آنها دیده می‌شود.

«آری خانه از پای بست ویران است

باز هم ادامه خواهد داشت

آتنا دائمی/ فعال حقوق بشر/ بند زنان زندان اوین/ آذر ۹۷

در خصوص نویسنده نامه گفتنی است، آتنا دائمی در تاریخ ۲۹ مهرماه ۹۳ بازداشت شد و بعد از نگهداری به مدت ۸۶ روز در سلول انفرادی بند ۲-الف مورخ ۲۴ دی ماه به بند نسوان منتقل شد. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۹۴ توسط قاضی مقیسه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهامات "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری" به ۱۴ سال حبس محکوم شد. ۲۶ بهمن ۹۴ با تودیع وثیقه ۵۵۰ میلیون تومانی آزاد شد و دادگاه تجدید نظر وی در مردادماه ۹۵ برگزار شد. در این دادگاه حکم وی به ۷ سال تقلیل یافت و در تاریخ هفتم مهرماه همان سال به وی ابلاغ شد. مورخ ششم آذرماه بدون دریافت احضاریه در منزل پدری بازداشت و در اجرای احکام دادرسی اوین با اعمال ماده ۱۳۴ حکم نهایی به ۵ سال حبس کاهش پیدا کرد.



مطالب مرتبط